

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

روسیه امروز
نویسنده: پیه اسکوبار
برگردان: حمید علوی
۱۴ دسمبر ۲۰۲۲



پیه اسکوبار

امریکا برای پیروزی انقلاب رنگی اش فقط می تواند دعا کند.



فلج شدن امریکا از مانورهای ستراتیژیک جمهوری اسلامی ایران.

تغییر رژیم در ایران رخ نخواهد داد. تهران فقط باید منتظر بماند، خویشتن داری کند و نظاره گر باشد که تمام سیگنال های بی گناهی این انقلاب رنگی اخیر در نهایت دود می شوند و به هوا خواهند رفت، در حالی که امپراتوری کار دیگری به جز دعا کردن برای تغییر رژیم از دستش بر نمی آید.

مجلس ایران پیوستن جمهوری اسلامی به سازمان همکاری شانگهای (SCO) را که اوایل سپتامبر گذشته در اجلاس سران در سمرقند ازبکستان اعلام شده بود را تصویب کرد. این اوج فرآیندی است که حدوداً ۱۵ سال به طول انجامیده است.

ایران همچنین قبلاً برای عضویت در بریکس پلاس درخواست داده است که به عنوان جایگزین واقعاً مهم G20 در جنوب جهانی تا سال ۲۰۲۵ جا خواهد افتاد.

ایران در حال حاضر بخشی از تنها همکاری بسیار مهم «چهارگانه» در کنار کشورهای عضو بریکس، روسیه، چین و هند است.

علاوه بر این، ایران در حال تعمیق مشارکت ستراتیژیک خود با چین و روسیه و تقویت همکاری های دوجانبه با هند است.

ایران شریک مهم چین در ابتکار کمربند و جاده (BRI – New Silk Road) است. تهران در شرف انعقاد توافقنامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) است و به همراه روسیه و هند به مرکز مهم کریدور حمل و نقل بین المللی شمال-جنوب (INSTC) تبدیل شده است.

همه اینها ظهور سریع جمهوری اسلامی ایران را برای تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ در غرب آسیا و اوراسیا با گستره وسیعی در جنوب جهانی شکل می دهد و همه این عوامل «سیاست» امپریالیستی در قبال تهران را به خاک و خون کشیده است.

پس جای تعجب نیست که ایران هراسی رشد یافته و ریشه دوانده که توسط امپراتوری برای بیش از چهار دهه پرورش داده شده بود اخیراً به رنگ دیگری از «انقلاب رنگی» ظاهر شده است که توسط رسانه های انگلیس-امریکائی بشدت تأیید و تبلیغ می شود.

برنامه بازی همیشه یکسان است. رهبر ایران آیت الله خامنه ای در واقع تعریفی موجز از آن ارائه کرد: مشکل باندهای آشوبگران و/یا مزدوران بی اطلاع از واقعیت ها نیستند.

او گفت: «روابط اصلی، هژمونی جهانی است. اظهارات خامنه ای تا حدودی حتی مورد تأیید نوام چامسکی، روشنفکر و نویسنده امریکائی نیز قرار گرفت و او اشاره کرد که مجموعه ای از تحریم های امریکا در طی چهار دهه بشدت به اقتصاد ایران آسیب رسانده و «مصائب عظیمی را به بار آورده است»

کردها به عنوان احمق های مفید

شعله ور شدن اخیر انقلاب رنگی همزمان با فعال شدن مجدد کردها در سوریه و عراق بود. از دیدگاه امپراتوری، جنگ نیابتی در سوریه، که هنوز به پایان نرسیده است، در همین رابطه کردهای مسلح نه تنها به عنوان یک جبهه اضافی در نبرد با روسیه عمل می کند، بلکه در ضمن آنها را قادر می سازد تا علیه ایران و ترکیه نیز به عنوان ابزاری برای امپراتوری وارد عمل شوند. ایران در حال حاضر با استفاده از طریق همان طرح منحرف که علیه سوریه در سال ۲۰۱۱ استفاده شد مورد حمله قرار می گیرد.

نوعی «اعتراض دایمی» در بسیاری از مناطق شمال غرب ایران به راه افتاد. آنچه در اواسط نومبر تغییر کرده بود این بود که گروه های مسلح شروع به استفاده از تاکتیک های تروریستی در چندین شهر نزدیک مرز عراق کردند.

حتی اعتقاد بر این است که آنها به اندازه کافی مسلح بودند تا کنترل برخی از شهرها را به دست بگیرند.

تهران ناچار مجبور به اعزام نیروهای سپاه پاسداران ایران برای مهار اوضاع و تقویت امنیت مرزها شد. آنها عملیات مشابهی را در درعا در جنوب غربی سوریه انجام دادند. این مداخله نظامی مؤثر بود. اما در برخی مناطق، باندهای تروریستی همچنان به زیرساخت های دولتی و حتی اموال غیرنظامی حمله می کنند. واقعیت حیاتی این است که تهران ترجیح می دهد از نیروی مرگبار برای سرکوب این سرسختانه استفاده نکند. اما مسأله واقعاً حیاتی خود اعتراضات نیست:

انتقال سلاح از کردهای عراق به کردهای ایران برای حمایت از سناریوی انقلاب رنگی است. بنابراین تهران عملاً به بغداد اولتیماتوم داده است: کردهای خود را دور یک یک میز جمع کند و به آنها بفهمانید که خطوط قرمز را درک کنند.

ایران در حال حاضر به طور گسترده راکت های بالستیک فاتح و شاهد ۱۳۱ و پهپادهای کامیکازه شاهد ۱۳۶ را علیه پایگاه های منتخب تروریست های کرد در شمال عراق مستقر می کند.

این که آیا این برای تحت کنترل گرفتن اوضاع کافی خواهد بود یا نه، جای سؤال است. آنچه واضح است این است که اگر «ورق بازی کردها» کنار گذاشته نشود، می توان این بازی را در دیگر مناطق حساس مرزی ایران با احمق های مفید دیگری تکرار کرد. با توجه به حمایت مالی، نظامی و اطلاعاتی قوی که کردهای عراق از آن برخوردار هستند و می توانند آن را به نیروهای کرد ایرانی ارائه دهند.

ترکیه با مشکلی نسبتاً مشابه با کردهای سوریه که توسط ایالات متحده به کار گرفته شده است، مواجه است. در شمال سوریه، اکثر گروه های مسلحی هستند که خود را منتسب «کردها» نشان می دهند.

بنابراین ممکن است این باندهای مسلح کرد که اساساً توسط واشنگتن به عنوان احمق های مفید وارد بازی شده اند، به طور همزمان توسط انقره و تهران در کوتاه مدت تا میان مدت نابود شوند.

اگر همه این راه کارهای امپراتوری شکست بخورد، آنها فقط می توانند برای تغییر رژیم در ایران دست به دعا بشوند. با این حال، یک نقطه عطف ژئوپلیتیک که تا همین اواخر غیرقابل تصور بود ممکن است بزودی اتفاق بیفتد:

دیداری در سطح عالی بین رجب اردوخان، رئیس جمهور ترکیه و بشار اسد، همتای سوری وی در روسیه، با میانجیگری کسی جز ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه برگزار شود. چه کسی دیگر فریاد نبرد ابدی اردوخان را که می گفت «اسد باید برود» را به خاطر می آورد؟

چه اتفاقی باید بیفتد تا کردها بفهمند که هیچ دولتی - چه ایران، چه سوریه یا ترکیه - به آنها اجازه یک دولت کردی را نمی دهد؟

به هر حال، اگر عراقی ها در بغداد در نهایت موفق به بیرون راندن ایالات متحده شوند، پارامترها می توانند در هر زمان تغییر کنند.

اما قبل از این که به آنجا برسیم، این واقعیت باقی می ماند که ایران از طریق راکت های کروز هوشمند، پهپادهای کامیکاز بسیار مؤثر، از طریق جنگ الکترونیک و حتی از طریق پیشرفته ترین آنها و راکت های مافوق صوت قبلاً ژئوپلیتیک غرب آسیا را کاملاً دگرگون کرده است.

«متفکران» امپراتوری هرگز یک چیز را ندیدند: یک شراکت ستراتیژیک بین روسیه و ایران که نه تنها از نظر ژئواکونومیک کاملاً منطقی است، بلکه به عاملی بسیار بزرگ برای نیروهای نظامی تبدیل شده است.

همچنین، این بخشی از تصویر بزرگ در حال ظهور است که BRICS+ توسعه یافته روی آن تمرکز دارد: ادغام اوراسیا - و فراتر از آن - از طریق کریدورهای اقتصادی چندوجهی، خطوط لوله و قطارهای پرسرعت.

طرح الف امپراتوری برای ایران یک توافق هسته‌ئی صرف (برجام) بود که توسط دولت امریکا در دوران باراک اوباما به عنوان چیزی جز یک برنامه خام برای مهار ایران تصور نمی شد. ترمپ سپس توافق را نابود کرد و چیزی از باقی نماند. احیای برجام، همان‌طور که ماه‌ها در وین آزمایش شد - از نظر تئوری - از ابتداء با شکست مواجه شد، زیرا خود امریکائی‌ها دیگر نمی‌دانند با آن چه می‌خواهند بکنند. بنابراین آنچه به عنوان پلان B برای روانی‌های نئومحافظه‌کاران/نئولیبرال‌های «استراوسی‌ها»، پیروان لئو اشتراوس مسؤول سیاست خارجی ایالات متحده، باقی می‌ماند، پرتاب انواع و اقسام پیاده‌ها، گوشت دم توپ‌ها و قربانی‌ها اعم از کردها تا تروریست‌های سازمان مجاهدین خلق به داخل جهنم درگیری در ایران و فشار بر رسانه‌های جریان اصلی برای حفظ و ادامه هیستری ۲۴ ساعته است و در انتها دعا کردن برای تغییر رژیم در ایران. خوب، این نقشه قطعاً شکست خواهد خورد. تهران فقط باید صبر کند، خویشتن داری کند و نظاره گر باشد تا تمام نشانه‌های بی‌گناهی این انقلاب رنگی اخیر در نهایت خاموش شود.